irannewspaper.ir

پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۱۹
• اذان ظهر ۱۲/۰۱ • اذان مغرب ۱۹/۱۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۳ • اذان صبح فردا ۰۳/۳۰ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۰۵

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی (ع):

رضایت خدا جایگزین هر چیزی می‌شود، اما هیچ چیز جایگزین رضایت خدا نمی‌شود.

نهج‌البلاغه، نامه ۲۷

نقل قول

تمدن ایران از بین رفتنی نیست

ایران از بین رفتنی نیست. بسیاری از اقوام؛ بربرها، مغول‌ها و اعراب قصد داشتند ایران را از بین ببرند اما نتوانستند. ما شاهنامه و شاعرانی همچون سعدی، حافظ، مولانا و بزرگان ادب و هنر فارسی و ایرانی را داریم. خط نستعلیق، ۵۰۰ سال است که در آفرینش زیبایی و کار هنری الگو شده است؛ ما تا اینها را داریم، ریشه و فرهنگ داریم، از بین نخواهیم رفت و کسی نمی‌تواند ایران را از بین ببرد. ممکن است در ظاهر «بنا و ساختمانی» تخریب شود، اینها زمان‌بر است ولی بالاخره ساخته و دوباره برقرار خواهد شد اما تمدن ما از بین رفتنی نیست، برای اینکه ما ملت ریشه‌داری هستیم، ملت ۲۵۰ ساله نیستیم، ملتی هستیم که ۳ هزار سال سابقه و تاریخ داریم.

صحبت‌های تازه منتشرشده از علی نصیریان در واکنش به اظهارات دونالد ترامپ درباره نابودی تمدن ایران

فیلم سعید روستایی در بخش کلاسیک کن

فهرست فیلم‌های حاضر در بخش کلاسیک هفتاد و نهمین جشنواره کن در حالی اعلام شد که فیلم کوتاه «زمین بازی» به تهیه‌کنندگی سعید روستایی در میان سه اثر کوتاه حاضر در این بخش قرار دارد. فیلم ۱۵ دقیقه‌ای «زمینِ بازی» ساخته امیرحسین شجاعی و تهیه‌کنندگی سعید روستایی به‌عنوان محصول مشترک ایران و فرانسه است. در بخش کلاسیک کن آثاری از کارگردانانی چون گیرمو دل‌تورو، ویتوریو دسیکا، لوکینو ویسکونتی، آکی را کوراساوا و اورسن ولز در بخش آثار مرمت‌شده به نمایش گذاشته می‌شوند./ایرنا

اکران فیلم فرهادی همزمان با حضور در کن

فیلم جدید و فرانسوی‌زبان «داستان‌های موازی» ساخته اصغر فرهادی از تاریخ ۱۴ ماه مه (دو روز پس از آغاز جشنواره کن) در سینماهای فرانسه به روی پرده می‌رود. «داستان‌های موازی» یکی از آثار بخش مسابقه اصلی جشنواره کن است و براساس قوانین این جشنواره همه آثار بخش مسابقه اصلی باید در سینماهای فرانسه اکران تجاری شوند. ایزابل هوپر، ویرژینی افیرا، ونسان کسل، پیر نینی و آدم بَسا در کنار کاترین دونو از بزرگان سینمای فرانسه، که حضوری چشمگیر در این فیلم دارند./ایسنا

همکاری تازه پارسا پیروزفر با آیدا پناهنده

پارسا پیروزفر پس از حضور در سریال «در انتهای شب» و فیلم «تی‌تی» در سومین همکاری‌اش با آیدا پناهنده به شبکه نمایش خانگی می‌آید. آیدا پناهنده بعد از سریال موفق «در انتهای شب» درگیر ساخت پروژه جدیدش «سرخ و سیاه» شد که در ابتدا «جادوی سفید» نام داشت. این سریال همچنین قرار است یک نسخه سینمایی داشته باشد. علی شادمان، پردیس پورعابدینی و ندا جبرائیلی از دیگر بازیگران سریال هستند. «سرخ و سیاه» قراراست چند دهه از دوره قاجار را روایت کند بزودی از فیلیمو پخش می‌شود./مهر

مدیر «دارالکتابه» مرکز طبع و نشر قرآن کریم در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرد

نسل طلایی هنرمندان قرآنی؛ میراث‌داران هنر اسلامی

گزارش

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

یکی از اتفاقات قابل تأملی که در نمایشگاه قرآن اخیر رخ داده بود، حضور خوشنویسان برای نوشتن آیات و روایات قرآنی به صورت صلواتی و سهیم شدن در کار خیر بود که خودشان به آن «نذر نوشتن خط» می‌گویند. این خوشنویسان که اغلب به نام کاتبان قرآن شناخته می‌شوند در روزهای جنگ تحمیلی این نذر را با جملاتی در موضوع مقاومت در فضای مجازی ادا می‌کنند و کارهایشان با هماهنگی و هدایت مرکزی به نام «دارالکتابه» انجام می‌شود.

مرکز «دارالکتابه» یکی از بخش‌های مرکز طبع و نشر قرآن کریم است که با هدف تهیه مصحف جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. مهدی بابایی، مدیر دارالکتابه مرکز طبع و نشر قرآن کریم در گفت‌وگویی به تشریح فعالیت‌ها و برنامه‌های این مجموعه پرداخت.

او در ابتدای سخنان خود با اشاره به جایگاه دارالکتابه گفت: «در مرکز طبع و نشر قرآن از سال ۷۳ یک کار علمی بلندمدت و دقیق آغاز و در این مسیر از نظر برجسته‌ترین عالمان علوم قرآنی جهان اسلام استفاده شد. حاصل این تلاش‌ها شیوه‌ای در نگارش قرآن بود که امروز به نام «شیوه کم‌علامت» شناخته می‌شود. این شیوه نگارشی مختص جمهوری اسلامی ایران است و به تأیید علمای علوم قرآنی در کشورهای اسلامی نیز رسیده است.»

بابایی ادامه داد: «از سال ۷۳ تا سال ۹۰ مجموعه‌هایی که در مرکز آماده می‌شدند عمدتاً با استفاده از فونت‌ها و قلم‌های رایانه‌ای نوشته می‌شدند. در آن زمان جای خالی موضوع کتابت و خوشنویسی قرآنی به شکل جدی احساس می‌شد، در حالی که این هنر سابقه‌ای طولانی در تاریخ ایران دارد. برای مثال در اوایل دوره قاجار خوشنویسان شاخصی در زمینه کتابت قرآن فعالیت داشتند، اما در دهه‌های بعد این جریان به تدریج رو به ضعف و فراموشی رفت. به همین دلیل در سال ۱۳۹۰ مجموعه‌ای با عنوان «دارالکتابه» با اشارات رهبر شهید و تأیید ایشان تأسیس شد تا به صورت مشخص و متمرکز بر ترویج خطوط قرآنی فعالیت کند؛ به‌ویژه دو خط نسخ و ثلث. خط نسخ بیشتر برای کتابت قرآن کاربرد دارد و خط ثلث نیز بیشتر در کتیبه‌نگاری و فضاهای مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله در ساخت مصلای امام خمینی (ره).»

شناسایی بهترین و مستعدترین خوشنویسان خطوط قرآنی

بابایی درباره اقدامات اولیه دارالکتابه گفت: «یکی از اولین کارها، شناسایی بهترین و مستعدترین خوشنویسان خطوط قرآنی در سراسر کشور بود که زمینه رشد برایشان فراهم نشده بود. از سال ۱۳۹۰ این هنرمندان در مجموعه دارالکتابه به صورت متمرکز تحت آموزش و هدایت قرار گرفتند.»

او با اشاره به اینکه در طول حدود یک دهه و تا پیش از شیوع کرونا نزدیک به ۱۰۰ کارگاه یک‌روزه آموزشی برگزار شد، اظهار کرد: «هنرمندان از سراسر کشور تقریباً ماهی یک‌بار به تهران می‌آمدند و از صبح تا عصر نزد استادان برجسته آموزش می‌دیدند. علاوه بر این، نمایشگاه‌های متعددی از آثار آنان برگزار شد و هشت دوره جشنواره با موضوع کتابت قرآن نیز شکل گرفت؛ جشنواره‌هایی که به‌طور اختصاصی به کتابت قرآن با خطوط قرآنی اختصاص داشتند و در نوع خود در تاریخ هنر خوشنویسی کشور بی‌سابقه بودند.» مدیر دارالکتابه درباره آموزش‌هایی که برای خوشنویسان در این مرکز صورت گرفته، توضیح داد: «انجمن خوشنویسان ایران فعالیت‌های آموزشی گسترده‌ای داشته و دارد، اما تمرکز آن بیشتر بر خطوط نستعلیق و شکسته است. کارگاه‌هایی با حضور ده‌ها استاد برجسته برپا کردیم که بسیاری از این اقدامات برای اولین‌بار در دارالکتابه انجام شد.»

بابایی گفت: «در این مجموعه به نوعی مکتبی برای پرورش کاتبان قرآن شکل گرفته است. مرکز طبع و نشر قرآن کریم در کنار دارالکتابه، بخش‌های دیگری نیز دارد؛ از جمله بخش تصحیح که قرآن‌های نوشته شده یا متون آماده شده را از نظر صحت بررسی می‌کند، بخش تحقیق و پژوهش که کارهای مطالعاتی انجام می‌دهد و بخش نشر که تاکنون حدود ۳۰ میلیون جلد قرآن منتشر کرده است.»

کتابت ۱۵ مصحف به صورت فردی

مدیر دارالکتابه درباره دستاوردهای این سال‌ها اظهار کرد: «طی حدود پانزده سال گذشته اتفاقات بسیار خوبی در حوزه کتابت قرآن رخ داده است. تاکنون حدود ۱۵ مصحف کامل به‌صورت فردی توسط کاتبان مختلف کتابت شده است. این مصحف‌ها با شیوه‌های خط نسخ نوشته شده‌اند؛ از جمله شیوه ایرانی، شیوه هندی و شیوه ترکی یا عربی. بسیاری از این قرآن‌ها نیز در تیراژ بالا منتشر شده‌اند.»

او یکی از اتفاقات مهم این سال‌ها را حضور بانوان در عرصه کتابت قرآن دانست و گفت: «در دوره قاجار تنها چند چهره محدود از میان بانوان در این عرصه فعال بودند و در سال‌های بعد نیز این هنر کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. اما امروز تعدادی از بانوان خوشنویس به درجه استادی در خط نسخ رسیده‌اند و برخی از آنان در حال کتابت کامل قرآن هستند. یکی از این مصحف‌ها نیز توسط یکی از بانوان کاتب به پایان رسیده و اکنون در مرحله آماده‌سازی برای چاپ قرار دارد.»

در سال ۱۳۹۰ مجموعه‌ای با عنوان «دارالکتابه» با اشارات رهبر شهید و تأیید ایشان تأسیس شد تا به صورت مشخص و متمرکز بر ترویج خطوط قرآنی فعالیت کند

بابایی همچنین به پروژه‌های جمعی کتابت قرآن اشاره کرد و گفت: «از همان ابتدا فضای کار گروهی در دارالکتابه شکل گرفت. برای نمونه در سال ۱۳۹۳ قرآنی با مشارکت ۲۴۴ کاتب نوشته شد که هر یک بخشی از آن را کتابت کردند. این قرآن به نیت اهدا به حرم حضرت عباس (ع) نوشته شد و گروهی از کاتبان در قالب کاروانی حدوداً ۷۰ نفره آن را به کربلا بردند و اهدا کردند.»

او اضافه کرد: «در مرحله بعد، ۳۰ نفر از برگزیدگان همان گروه، قرآنی دیگر را به نیت شهدای مدافع حرم کتابت کردند. هر صفحه از این قرآن به نام یکی از شهدا نوشته و نسخه‌ای از آن نیز به رهبر شهید تقدیم شد و ایشان مرقومه‌ای را برای تشکر از کاتبان این مصحف شریف مرحمت فرموده بودند. این قرآن در نهایت به حرم کاظمین علیهماالسلام اهدا شد.»

کتابت مفاتیح‌الجنان و صحیفه سجادیه

مدیر دارالکتابه درباره کتابت دیگر متون دینی افزود: «در این مجموعه علاوه بر قرآن، آثاری مانند مفاتیح‌الجنان نیز کتابت شده است. همچنین سه تن از بانوان کاتب، هر یک نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را کتابت کرده‌اند که یکی از آن نسخه‌ها آماده انتشار است.»

او درباره کتیبه‌نویسی نیز گفت: «در زمان تأسیس دارالکتابه، در کشور تنها دو استاد برجسته در حوزه کتیبه‌نگاری داشتیم؛ استاد موحد حسینی و استاد عبدالرضایی. این دو استاد از چهره‌های شاخص این هنر در جهان اسلام هستند و آثار متعددی در مصلای تهران از آنان وجود دارد. در سال‌های اخیر نیز تعدادی از شاگردان جوان تحت نظر این استادان وارد این عرصه شده‌اند و امروز هفت نفر از هنرمندان جوان در زمینه کتیبه‌نگاری مصلای امام خمینی (ره) فعالیت جدی دارند.»

بابایی تعداد کاتبان فعال قرآن در کشور را حدود صد نفر دانست و گفت: «البته افراد بیشتری در حال آموزش هستند، اما در حال حاضر حدود صد نفر به‌صورت جدی در سطح قابل توجهی به کتابت قرآن می‌پردازند و بسیاری از آنان شاگردانی نیز تربیت کرده‌اند.»

او درباره نگرانی‌های موجود در این حوزه گفت: «نگرانی اصلی ما کاهش تعداد کاتبان نیست، زیرا عشق به قرآن در میان خوشنویسان همواره وجود دارد. حتی در ماجراهای اخیر که توهین‌هایی به قرآن صورت گرفت، اولین گروهی که واکنش نشان دادند همین کاتبان قرآن بودند.»

بابایی مهم‌ترین دغدغه‌اش را این‌گونه بیان کرد: «نسل طلایی هنرمندان قرآنی که در سال‌های اخیر پرورش یافته‌اند، به دلیل عدم همراهی نهادهای متولی امور قرآنی با مرکز طبع و نشر، آن‌گونه که باید مورد حمایت قرار نگرفته‌اند. این هنرمندان باید سفارش‌های مناسب دریافت کنند و آثارشان به‌عنوان میراث هنری ایران اسلامی ثبت و معرفی شود.»

برش

چهره‌های شاخص خط ثلث در جهان اسلام

مدیر دارالکتابه درباره استقبال خوشنویسان از این مجموعه گفت: «نمونه دیگری از این فعالیت‌ها کتابت مجموعه‌ای از قرآن در قالب ۱۸۰ مجلد است که هر بخش توسط یکی از کاتبان نوشته شد. این مجموعه توسط آستان قدس رضوی منتشر شده و در قالبی بسیار زیبا و چشم‌نواز عرضه شده است. در تاریخ هنر کتابت قرآن کمتر شاهد چنین حجم گسترده‌ای از مشارکت هنرمندان بوده‌ایم.» بابایی در پاسخ به پرسشی درباره جایگاه کاتبان ایرانی در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی گفت: «در برخی خطوط مانند ثلث، شیوه نگارش در جهان اسلام مشترک است. تا پیش از تأسیس دارالکتابه، خط ثلث ایران چندان مورد توجه هنرمندان دیگر کشورها نبود، اما در پنج تا شش سال اخیر در معتبرترین جشنواره‌های خوشنویسی جهان اسلام، هنرمندان ایرانی رتبه‌های برتر را کسب کرده‌اند و امروز چهره‌های شاخصی در این عرصه شناخته می‌شوند.»

چگونه صنعت سینمایی هالیوود از آمریکا منجی می‌سازد؟

هالیوود و مهندسی خیالِ قدرت

یادداشت

علیرضا سپهوند
روزنامه‌نگار

اگر بخواهیم نقش هالیوود را در نظم سیاسی-فرهنگی ایالات متحده بفهمیم، نباید آن را صرفاً یک صنعت سرگرمی دانست. هالیوود از اولین روزهای شکل‌گیری‌اش، فقط کارخانه رویا نبود؛ کارخانه صورت‌بندی «قدرت» هم بود. قدرتی که باید دیده می‌شد، باور می‌شد و در ذهن تماشاگر جهانی به شکل امری طبیعی، ضروری و شکست‌ناپذیر جا می‌افتاد. سینما در این میان، نقش یک آینه ساده را بازی نکرد، بلکه خودِ آینه را طوری ساخت که تصویرِ آمریکا را بزرگ‌تر، درخشان‌تر و گاه ترسناک‌تر از واقعیت نشان دهد.

در بسیاری از آثار کلاسیک و پرفروش هالیوود، نظامی‌گری آمریکا نه به عنوان یک پدیده قابل نقد، بلکه به مثابه نهایت تکنولوژی، نظم، فداکاری و حقانیت بازنمایی شده است. از جنگ‌های غرب وحشی و سرکوب بومیان تا روایت‌های جنگ جهانی، جنگ سرد، افغانستان، عراق و ده‌ها نمونه دیگر، یک خط ممتد دیده می‌شود: آمریکا باید همواره «منجی» باشد، حتی وقتی نقش «مداخله‌گر» را بازی می‌کند. این همان نقطه‌ای است که سینما از هنر فاصله می‌گیرد و به ابزار مشروعیت‌سازی بدل می‌شود. در چنین چهارچوبی، حتی شکست‌های آمریکا هم اغلب طوری روایت می‌شوند که در نهایت، پیروزی اخلاقی یا تکنولوژیک آن محفوظ بماند.

ابرقدرتی که باید در ذهن شکست‌ناپذیر بماند، ناچار به تولید انبوه قهرمان هم هست. از سوپرمن تا بتمن، از کاپیتان‌هایی که جهان را نجات می‌دهند تا سربازانی که با چند حرکت دوربین، به نماینده کل تمدن غرب تبدیل می‌شوند، هالیوود پیوسته یک پیام را تکرار کرده است: آمریکا نه فقط از نظر صنعتی و اقتصادی، بلکه از نظر اخلاقی و نظامی نیز برتر است. در این منطق، جنگ صرفاً نبردی بر سر خاک نیست؛ نبردی بر سر روایت است. هر موشک، هر ناو، هر هواپیما، پیش از آنکه در میدان نبرد اثر بگذارد، باید در میدان خیال اثر گذاشته باشد.

اما مسأله دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که واقعیت، با تصویر دعوا می‌کند. امپراطوری‌ها معمولاً تا زمانی قدرتمندند که بتوانند تصویری منسجم از خود بسازند و این تصویر را به دیگران تحمیل کنند. وقتی شکاف میان تبلیغ و واقعیت زیاد شود، هیمنه ترک می‌خورد. همین جاست که مفهومی مثل «شکست‌ناپذیری» دیگر یک داده نظامی نیست، بلکه یک قرارداد روانی است. اگر این قرارداد در ذهن افکارعمومی، متحدان و حتی دشمنان شکسته شود، بخش مهمی از قدرت فرومی‌ریزد؛ حتی اگر هنوز از نظر فنی، تجهیزات و بودجه دست بالا را داشته باشد.

در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین تحولات در فهم قدرت جهانی، همین جابه‌جایی از قدرت سخت به قدرتِ قابل‌رؤیت و قابل‌روایت بوده است. دیگر صرفِ در اختیار داشتن ناوهای غول‌پیکر، جنگنده‌های پیشرفته یا پایگاه‌های متعدد، به معنای پیروزی روانی نیست. جهان امروز فقط میدان سلاح نیست؛ میدان تصویر هم هست. ناوی که در هالیوود نماد اطمینان و تسلط بود، اگر در واقعیت به علامت احتیاط، عقب‌نشینی یا ناکامی بدل شود، آن سرمایه نمادینِ سینمایی‌اش را هم از دست می‌دهد. اینجاست که سینما، ناخواسته علیه خود عمل می‌کند: تصویری که سال‌ها به عنوان «استیلا» ساخته بود، با یک رخداد واقعی فرومی‌ریزد.

از زاویه‌ای دیگر، مسأله فقط درباره یک کشور یا یک ناو نیست؛ مسأله درباره افسانه‌سازی از ماشین جنگی است. تمدن رسانه‌ای غرب، برای دهه‌ها، به جهان آموخته بود که برتری تکنولوژیک مساوی است با برتری مطلق. اما تجربه‌های معاصر نشان داده‌اند که فناوری پیشرفته، بدون فهم درست از جغرافیا، اراده، تاب‌آوری، جنگ نامتقارن و سیاستِ بازدارندگی، الزاماً تعیین‌کننده نیست. گاهی یک قدرت منطقه‌ای با منابع محدودتر، اما با شناخت عمیق‌تر از زمین بازی، می‌تواند دستگاه محاسباتی یک ابرقدرت را دچار اختلال کند. این اختلال، اگر در سطح رسانه‌ای هم بازتاب یابد، به چیزی فراتر از یک موفقیت نظامی تبدیل می‌شود: به شکستِ افسانه.

در این میان، ایران در چند دهه گذشته کوشیده است قدرت را فقط در قالب کلاسیک آن تعریف نکند. از نگاه راهبردی، آنچه برای یک کشور مهم است، نه صرفاً داشتن چند سامانه پیشرفته، بلکه ایجاد قابلیت بازدارندگی، تحمیل هزینه و وادار کردن طرف مقابل به بازنگری در محاسبات است. اگر طرف مقابل مجبور شود نیروهایش را با احتیاط، فاصله و ترس از پیامدها به کار گیرد، یعنی یک لایه از بازدارندگی شکل گرفته است. در چنین شرایطی، حتی بدون شلیک گسترده، نتیجه می‌تواند بسیار سنگین باشد. این همان نقطه‌ای است که برخی آن را «غلبه بر هیمنه» می‌نامند: نه لزوماً نابودی فیزیکی دشمن، بلکه زیر سؤال بردن آن تصویری که دشمن از خود ساخته بود.

از منظر فرهنگی هم ماجرا کم‌اهمیت نیست. هالیوود فقط ماشین نمایشِ اسلحه نیست؛ ماشین القای سلسله‌مراتب تمدنی هم هست. در این سلسله‌مراتب، غرب صاحب عقل، فناوری و قدرت معرفی می‌شود و دیگران یا تهدیدند یا مصرف‌کننده. وقتی یک رخداد واقعی، این نظم نمادین را برهم بزند، فقط چند روز تیتر رسانه‌ها عوض نمی‌شود؛ بلکه در عمق ذهن جهانی، درک تازه‌ای شکل می‌گیرد. درک اینکه شاید آن تصویر براقِ همیشگی، بیش از آنکه واقعیت باشد، تبلیغ بوده است. شاید آن ناوهای براق، بیشتر از آنکه نشانه قدرت مطلق باشند، نشانه نیاز مداوم به نمایش قدرت‌اند.

البته باید از افتادن به دام اغراق هم پرهیز کرد تا بعداً خودِ واقعیت آن را نقض کند. اما حتی در همین سطح هم، تغییر مهم است: تغییر در تصورِ شکست‌ناپذیری. وقتی یک بازیگر منطقه‌ای بتواند به طرف مقابل بفهماند که ورود، عبور یا فشار، بدون هزینه نخواهد بود، موازنه ذهنی عوض می‌شود و موازنه ذهنی، گاهی از موازنه سخت‌افزاری مهم‌تر است.

شاید مهم‌ترین نتیجه این باشد که عصر «قهرمانِ یک‌تکه» و «ابرقدرتِ بی‌رقیب» رو به پایان است. جهان امروز دیگر صرفاً با پوسترها، فیلم‌ها و شعارها اداره نمی‌شود. اکنون هر ناو، هر جنگنده و هر پایگاه باید در برابر یک پرسش ساده پاسخ بدهد: آیا واقعاً همان‌قدر شکست‌ناپذیری که در سینما نشان داده شده‌ای؟ اگر پاسخ منفی باشد، هالیوود هم نمی‌تواند برای همیشه آن را جبران کند.

در نهایت، ماجرا از جنس تقابل دو روایت است: روایتِ قدرتی که خودش را افسانه کرده و روایت ملتی که می‌خواهد نشان دهد افسانه‌ها هم روزی در برابر واقعیت متوقف می‌شوند. اگر هالیوود دهه‌ها کوشید خشونت مشروع را زیبا، منظم، قهرمانانه جلوه دهد، رخدادهای میدانی می‌توانند این تزئین را بر هم بزنند و به جهان یادآوری کنند که پشت هر قاب سینمایی، یک حقیقت زمخت هم وجود دارد: هیچ امپراطوری‌ای تا ابد در قاب پیروزی نمی‌ماند. مادامی که آخرین نمونه آن، موشک‌های ایرانی بود که ناو شکست‌ناپذیر آبراهام لینکلن را تا اقیانوس هند فراری داد و این نمایی عینی ورای پرده نقره‌ای سینمای هالیوود بود که بر چشم جهانیان گشوده شد.

اگر هالیوود دهه‌ها کوشید خشونت مشروع را زیبا، منظم و قهرمانانه جلوه دهد، رخدادهای میدانی می‌توانند این تزئین را بر هم بزنند و به جهان یادآوری کنند که پشت هر قاب سینمایی، یک حقیقت زمخت هم وجود دارد: هیچ امپراطوری‌ای تا ابد در قاب پیروزی نمی‌ماند